



شماره پیاپی ۱۳۸۷ صفحه ۱۳۸۷

۱۳۸۷ و ۲۰ آبان ۱۳۸۷

مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

شرکت ملی نفت ایران

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

قطب علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

پژوهشگاه صنعت نفت

مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

ماهنامه تازه‌های انرژی

گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس



جایگاه نفت در مناسبات خارجی ایران (بررسی تاریخی بر پایه مدل کارگزار / ساختار)

محسن خلیلی

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

بررسی تاریخ روابط خارجی ایران نشان می‌دهد که نفت به مثابه عاملی بوده که سبب ساز توجه دیگران به کشور ما می‌شده است. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که نفت، در دوران معاصر، ایران را به یک کشور بین‌المللی تبدیل نمود. از یک سو، می‌بایست میان دو مقوله سیاست خارجی و روابط خارجی قائل به تفکیک شد. سیاست خارجی عبارت از داشتن یک استراتژی از پیش برنامه‌ریزی شده است که به طرز کنش / نفوذگرا توسط کارگزاران سیاسی طراحی می‌گردد و مقصود از آن، دستیابی به اهدافی معین در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. ولی روابط خارجی به طرز عمده نشانگر نفوذ / رخنه‌پذیری و واکنش‌گرایی است. از دیگر سو، وجه اجرایی روابط خارجی در محیط خارج از نظام داخلی واقع شده است و ابتدا می‌بایست میزان تأثیرپذیری / گذاری از / بر محیط نظام بین‌المللی را به درستی برآورد نمود. در پیوند میان دو مقوله سیاست / روابط خارجی، به طرز نظری امکان وقوع چهار حالت وجود دارد: سیاست خارجی، روابط خارجی، سیاست / روابط خارجی و روابط / سیاست خارجی. نگارنده با در نظر داشتن مقوله نفت در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که مناسبات فرامرزی ایران دوران قاجار تا پایان دوران پهلوی دوم، واجد کدام یک از حالت‌های چهارگانه بوده است؟ به نظر می‌رسد با توجه به مدل کارگزار / ساختار، نفت یک متغیر وابسته بوده و آن چه به موجودیت کشور ایران در پیوندهای خارجی شکل می‌داده از یک سو، ماهیت نظام همعصر بین‌المللی؛ و از دیگر سو، رهیافت‌های نظری و رویکردهای عملی کارگزاران سیاسی دوران مورد مطالعه بوده است.